

فهرست مطالب



۱۱	کتاب دوم: در تابعیت.....
۵۳	کتاب سوم: در اسناد سجل احوال.....
۱۱۱	کتاب چهارم: در اقامتگاه.....
۱۸۱	کتاب هفتم: در نکاح و طلاق.....
۱۸۱	باب اول: در نکاح.....
۱۸۱	فصل اول: در خواستگاری.....
۲۰۴	فصل دوم- قابلیت صحی برای ازدواج.....
۲۲۲	فصل سوم- در موانع نکاح.....
۲۶۵	فصل چهارم- شرایط صحت نکاح.....
۲۹۵	فصل پنجم- وکالت در نکاح.....
۳۰۵	فصل ششم- در نکاح منقطع.....
۳۱۰	فصل هفتم- در مهر.....
۳۶۴	فصل هشتم: در حقوق و تکالیف زوجین نسبت به یکدیگر.....
۴۲۵	باب دوم: در انحلال عقد نکاح.....
۴۳۰	فصل اول: در مورد امکان فسخ نکاح.....
۴۶۲	فصل دوم: در طلاق.....
۴۶۲	مبحث اول: در کلیات.....
۴۸۹	مبحث دوم: در اقسام طلاق.....
۵۰۵	مبحث سوم: در عده.....
۵۲۰	کتاب هشتم: در اولاد.....
۵۲۰	باب اول: در نسب.....
۵۵۰	باب دوم: در نگاهداری و تربیت اطفال.....

۵۸۰	باب سوم- در ولایت قهری پدر و جد پدری.....
۶۲۱	کتاب نهم- در خانواده.....
۶۲۱	فصل اول- در الزام به انفاق.....
۶۵۷	کتاب دهم- در حجر و قیمومت.....
۶۵۷	فصل اول- در کلیات.....
۶۸۴	فصل دوم- در موارد نصب قیم و ترتیب آن.....
۷۱۹	فصل سوم- در اختیارات و وظایف و مسئولیت قیم و حدود آن.....
۷۶۳	فصل چهارم- در موارد عزل قیم.....
۷۸۰	فصل پنجم- در خروج از تحت قیمومت.....
۷۸۸	جلد سوم- در ادله اثبات دعوی.....
۸۱۳	کتاب اول- در اقرار.....
۸۱۳	باب اول- در شرایط اقرار.....
۸۶۳	فصل دوم- در آثار اقرار.....
۸۹۶	کتاب دوم: در اسناد.....
۹۶۲	کتاب سوم- در شهادت.....
۹۶۲	باب اول- در موارد شهادت.....
۱۰۱۴	باب دوم- در شرایط شهادت.....
۱۰۳۳	کتاب چهارم- در امارات.....
۱۰۵۶	کتاب پنجم- در قسم.....

مقدمه مؤلف

اهداف نگارش از تألیفات و کتاب‌های حقیر با ادبیات ساده، بیشتر احیای حقوق عامیانه جهت سهولت و درک سریع برای مخاطبین گرامی اعم از حقوقی و غیر حقوقی است، گرچه معنی و مفهوم اصطلاحات حقوقی در خود محفوظ می‌باشند. بنابراین هرچند کتاب‌های خلاصه شده، مفید واقع می‌شوند و لحظه‌ای هستند، ضروریست کتاب‌های با تفسیر و با مثال‌های متعدد مطالعه شوند تا از کوتاه مدت تبدیل به درازمدت گردند و در ذهن تثبیت شوند و ماندگاری بیشتری داشته باشند.

لذا در صورت داشتن هرگونه نظریات یا انتقادات یا پیشنهادات و ... به پست الکترونیکی Ali.t521@yahoo.com مکاتبه نمایند تا در چاپ‌های بعدی مورد توجه قرار گیرد.

سید علی اکبر تقویان

تهران، تابستان ۱۴۰۰

avabook.com

کتاب دوم: در تابعیت

ماده ۹۷۶- اشخاص ذیل تَبِعَهُ ایران محسوب می‌شوند:

- ۱- کلیه ساکنین ایران به استثنای اشخاصی که تَبَعِیتِ خارجی آن‌ها مُسَلَّم باشد؛ تَبَعِیتِ خارجی کسانی مسلم است که مدارک تَبَعِیتِ آن‌ها مورد اعتراض دولت ایران نباشد.
- ۲- کسانی که پدر آن‌ها ایرانی است، اعم از این که در ایران یا در خارجه متولّد شده باشند.
- ۳- کسانی که در ایران متولّد شده و پدر و مادر آنان غیر معلوم باشند.
- ۴- کسانی که در ایران از پدر و مادر خارجی که یکی از آن‌ها در ایران متولّد شده به وجود آمده‌اند.
- ۵- کسانی که در ایران از پدری که تبعه خارجه است به وجود آمده و بلافاصله پس از رسیدن به سن هجده سال تمام لااقل یک سال دیگر در ایران اقامت کرده باشند والا قبول شدن آن‌ها به تَبَعِیتِ ایران بر طبق مقرراتی خواهد بود که مطابق قانون برای تحصیل تَبَعِیتِ ایران مقرر است.
- ۶- هر زن تَبِعَهُ خارجی که شوهر ایرانی اختیار کند.
- ۷- هر تَبِعَهُ خارجی که تَبَعِیتِ ایران را تحصیل کرده باشد.

تبصره- اطفال متولّد از نمایندگان سیاسی و قَسُولی خارجه مشمول فقره ۴ و ۵ نخواهند بود.

سؤال = چه افرادی اتباع ایران بشمار می‌روند؟

جواب = افراد زیر تابع ایران محسوب می‌شوند:

۱- تمام افراد ساکن کشور ایران اتباع ایران به شمار می‌روند مگر آن افرادی که ساکن ایران هستند اما تابعیت دولت خارجی دارند و تابعیت خارجی آنها مسلم بوده باشد بدین معنی که دولت ایران مدارک تابعیت آنها را قبول داشته و نسبت به آن مدارک اعتراضی نداشته باشد. از این رو چنانچه مثلاً شخص A که یک نفر افغانی می‌باشد چندین سال است که ساکن ایران است اما چون دارای مدارک معتبری است که تابعیت وی را نسبت به دولت افغانستان اثبات

می‌کند و دولت ایران هم آن مدارک را معتبر دانسته و نسبت به آن اعتراضی ندارد در این حالت آن فرد (افغانی) از اتباع ایران شناخته نمی‌شود هر چند که ساکن کشور ایران باشد و از اتباع دولت افغانستان شناخته می‌شود.

۲- افرادی که پدر آنها ایرانی باشد خواه آن افراد در ایران متولد شده باشند یا در کشورهای خارجی دنیا آمده باشند در هر صورت آن افراد (بدلیل ایرانی بودن پدر آنها) ایرانی بشمار می‌روند. از این رو وقتی که مثلاً شخص A با خانم B ازدواج می‌کند که شخص A یک نفر ایرانی است و حاصل آن ازدواج متولد شدن پسری است بنام C که در این حالت طبق قانون ایران (ماده ۹۷۶ قانون مدنی) آن پسر (C) یک فرد ایرانی به شمار می‌رود و فرقی نمی‌کند که آن پسر (C) در کشور ایران متولد شده باشد و یا اینکه در یک کشور خارجی (مثلاً پاکستان) تولد یافته باشد که در هر صورت وی از اتباع ایران محسوب می‌شود زیرا آنچه که سبب شود وی تابعیت ایرانی را بدست بیاورد، ایرانی بودن پدر او می‌باشد و محل تولد در این موضوع نقش و دخالتی (چه مثبت و چه منفی) ندارد و مکان تولد هیچ تأثیری در موضوع تابعیت وی نمی‌گذارد.

۳- افرادی که در ایران متولد شده‌اند ولی پدر و مادر آنها معلوم نیست مانند اینکه پدر و مادر آنها بعد از دنیا آمدن آن طفل در اثر حرارت و بلایای طبیعی از قبیل آتش‌سوزی، غرق شدن و ... از دنیا رفته‌اند که بالاخره معلوم نشد آن پدر و مادر ایرانی بوده‌اند یا نه؟ از این رو وقتی که مثلاً شخص C در ایران متولد می‌شود و آنگاه پدر و مادر وی در یک سفر دریایی غرق می‌شوند که سند و نشان و مدرکی که دلالت بر ایرانی و یا خارجی بودن آن پدر و مادر (غرق شده) داشته باشد در دسترس نبوده و وجود ندارد و بدین جهت هویت آن پدر و مادر (از نظر تابعیت) مجهول و نامعلوم می‌باشد که در این حالت قانونگذار آن طفل دنیا آمده در کشور ایران را دارای تابعیت ایرانی می‌داند.

۴- افرادی که از پدر و مادر خارجی در ایران متولد شده‌اند اما یکی از آن پدر و مادر در ایران متولد شده است که قانونگذار طبق ماده ۹۷۶ آن افراد را هم ایرانی محسوب نموده است بنابراین مثلاً اگر خانم B نزدیک پدر و مادر ایرانی در ایران متولد شده باشد و سپس تابعیت کشور کانادا را کسب کرده باشد و آنگاه با یک نفر از اتباع دولت کانادا ازدواج کرده و مقیم کشور ایران می‌گردند و در حالیکه هر دو زن (زن و شوهر) تابعیت دولت کانادا دارند در کشور ایران مقیم شده و زندگی می‌کنند و سپس فرزندی C از آن زن و شوهر متولد می‌شود که از نظر قانونگذار ایرانی آن فرزند ایرانی بوده و تابعیت دولت ایران را دارد زیرا مادرش در ایران متولد شده بوده است هر چند که اکنون آن مادر و پدر طفل خارجی می‌باشند.

۵- فرزندی که از پدری که از اتباع دولت خارجی است در ایران متولد شده و تا سن ۱۸ هجده سالگی تمام در ایران بوده و سپس بدون فاصله شدن یک سال دیگر هم در ایران می‌مانند که در این حالت قانونگذار آن فرزندان را ایرانی محسوب نموده و به آنها تابعیت ایرانی می‌دهد. بنابراین چنانچه شخص A که یک نفر از اتباع دولت ترکیه بوده و در ایران زندگی می‌کند با یک خانم از اتباع همان دولت (ترکیه) در کشور ایران ازدواج کرده و فرزندی از وی متولد می‌شود که آن فرزند تا سن ۱۸ هجده سالگی کامل در ایران اقامت داشته است و سپس یک سال تمام دیگر هم در ایران می‌ماند که در این حالت از نظر قانونگذار ایرانی وی یک فرد ایرانی بشمار آمده و دارای تابعیت دولت ایران است. آنگاه قانونگذار در قسمت دوم از بند ۵ ماده ۹۷۶ قانون مدنی اضافه می‌کند که اگر آن فرزندی که از پدر خارجی در ایران متولد شده است بعد از اینکه به مدت هجده سال در کشور ایران اقامت داشت یک سال تمام دیگر در ایران باقی نماند بلکه مثلاً فقط شش ماه دیگر (بعد از هجده سال اقامت) در ایران باقی مانده و سپس به یکی از کشورهای خارجی رفت در این حالت وقتی وی به تابعیت دولت ایران در می‌آید که مقررات مربوط به تحصیل تابعیت ایران را رعایت نماید.

۶- هر زنی که از اتباع دولت خارجی بوده و با مرد ایرانی ازدواج کند. بنابراین اگر مثلاً خانم B که یک زن فرانسوی بوده و تابعیت دولت فرانسه را دارد با شخص A که یک فرد ایرانی می‌باشد ازدواج نماید از نظر قانونگذار ایرانی وی (آن خانم فرانسوی) تابعیت دولت ایران را بدست می‌آورد.

۷- هر فردی از اتباع دولت خارجی که تابعیت ایران را بدست آورد. بنابراین اگر مثلاً شخص A که یک نفر از اتباع دولت سودان می‌باشد. طبق مواد ۹۷۹ تا ۹۸۵ قانون مدنی که به بررسی شرایط و جزئیات و مسائل تحصیل (بدست آوردن) تابعیت ایران پرداخته است اقدام به تحصیل (بدست آوردن) تابعیت دولت ایران نماید از نظر قانونگذار ایرانی یک فرد ایرانی بشمار خواهد آمد. انشاء... شرایط و جزئیات تحصیل تابعیت ایرانی را در محل خودش بررسی خواهیم کرد.

تبصره- باید در نظر داشته باشیم که اطفالی که از نمایندگان سیاسی و کنسولی دولتهای خارجی در ایران متولد می‌شوند مشمول بندهای ۴ و ۵ ماده فوق ۹۷۶ نمی‌شوند، بدین معنی که مثلاً اگر شخصی که در اصل در ایران متولد شده و سپس تابعیت کشور الجزایر را بدست آورده است و سپس با یک خانم الجزایری ازدواج کرده و سپس به عنوان مأمور کنسولی آن کشور (الجزایر) در ایران مقیم شده و به فعالیت کنسولی خود (جهت انجام امور اتباع الجزایر در ایران) مشغول شد و بعد از مدتی دارای فرزندی می‌گردند که در ایران متولد می‌گردد. این فرزند گرچه از پدر و مادری خارجی متولد شده است که حداقل یکی از آن دو (یعنی پدرش) در ایران

متولد شده است ولی بند ۴ ماده فوق ۹۷۶ شامل وی نشده و وی تابعیت ایرانی را بدست نیاورده و ایرانی محسوب نمی‌شود زیرا پدر وی مأمور کنسولی دولت خارجی (الجزایر طبق مثال) می‌باشد. بنابراین برای اینکه آن فرزند به تابعیت ایران درآید باید از روش قانونی به تحصیل (بدست آوردن) تابعیت ایران اقدام نماید.

همچنین اگر مثلاً آن شخص که از اتباع الجزایر می‌باشد قبلاً در ایران متولد نشده است بلکه یک نفر با تابعیت اصلی الجزایر می‌باشد و بعد از ازدواج به عنوان سفیر (مأمور سیاسی) دولت الجزایر در کشور ایران مشغول فعالیت شد و در ایران صاحب فرزندی شد و آن فرزند تا سن هجده سالگی تمام در ایران اقامت داشته و سپس بدون فاصله یک سال تمام دیگر هم در ایران اقامت نمود در این صورت آن فرزند مشمول بند ۵ ماده فوق ۹۷۶ نمی‌گردد و تابعیت دولت ایران را بدست نمی‌آورد زیرا پدر وی مأمور سیاسی دولت خارجی در کشور ایران است. در نتیجه فرزند آن سفیر دولت الجزایر برای اینکه به تابعیت دولت ایران درآید باید راه قانونی تحصیل تابعیت ایران را بپیماید.

اکنون با ملاحظه مطالب بیان شده نکاتی را اضافه می‌کنیم:

۱- با استفاده از ماده ۱۱۶۷ قانون مدنی که اظهار می‌دارد: «طفل متولد از زنا ملحق به زانی نمی‌شود» در مورد بند ۲ ماده فوق ۹۷۶ توجه به این مطلب ضروری بنظر می‌رسد که در صورتی طفل به دنیا آمده از پدر ایرانی تابعیت ایرانی خواهد داشت که نسبت آن طفل با پدرش یک نسبت مشروع و حلال باشد (و زنا زاده نباشد). بنابراین وقتی که یک نفر ایرانی از راه مشروع و قانونی ازدواج کرده و دارای فرزندی گردد آن فرزندان تابعیت ایرانی داشته و ایرانی محسوب می‌شوند اما اگر وی مرتکب عمل نامشروع و حرام زنا شده باشد و فرزندی از نطفه نامشروع زنا پدید آمده و متولد شود آن فرزند مشمول بند ۲ ماده فوق ۹۷۶ نشده و به تابعیت دولت ایران در نمی‌آید.

۲- مطلبی هم در مورد بند ۱ ماده فوق ۹۷۶ اضافه کنیم و آن اینکه بعید به نظر می‌رسد که قانونگذار ایرانی (در آن بند ۱) خواسته بگوید هر ساکن کشور ایران که بی‌تابعیت می‌باشد ایرانی محسوب شده و تابعیت ایران خواهد داشت به این معنی که هر فردی که مجهول التابعیه است یعنی در مورد اینکه ایرانی است یا خارجی هویت (و نامعلوم است او را ایرانی باید فرض کرد. نه اینطور نیست و بعید به نظر می‌رسد قانونگذار ایرانی خواسته باشد در بند ۱ ماده فوق ۹۷۶ چنین مطلبی را بیان کند بلکه منظور قانونگذار از بیان بند ۱ از ماده مذکور در مقام بیان یک اصل عملی بوده است، بدین معنی که خواسته بیان کند که معمولاً و عملاً به هر شخص ساکن ایران که برخورد کنیم وی تابعیت ایرانی دارد که این تابعیت ایرانی او یا تابعیت اصلی است مثل

اینکه از پدر و مادر ایرانی متولد شده باشد و یا اینکه تابعیت ایرانی او یک تابعیت اکتسابی (تحصیلی) است که از طریق پیمودن راه قانونی آن را بدست آورده است و به سخن دیگر در هر موردی که لازم باشد باید از تابعیت آن فرد مورد نظر سؤال کرده و تحقیق بعمل آید که گفتیم معمولاً و غالباً بعد از تحقیق معلوم می‌شود که وی یک فرد ایرانی می‌باشد چه اینکه تابعیت اصلی ایرانی داشته باشد و یا اینکه تابعیت ایرانی وی اکتسابی و تحصیلی باشد و مفهوم مخالف این مطلب این است که اگر در مورد یکی از افراد ساکن ایران که تابعیت وی مجهول و مشکوک بوده و بعد از تحقیق به عمل آمده روشن شد که وی اصلاً هیچ تابعیتی ندارد (نه تابعیت ایران را دارد و نه تابعیت یکی از دولتهای خارجی) در این صورت بند ۱ ماده فوق ۹۷۶ شامل آن شخص نشده و وی ایرانی محسوب نمی‌شود بلکه وی برای اینکه تابعیت دولت ایران را پیدا کند باید راه قانونی تحصیل تابعیت را طی کرده و تابعیت اکتسابی ایران را بدست آورد.

بنابراین اگر مثلاً در تحقیقات به عمل آمده از هویت شخص A که ساکن ایران می‌باشد معلوم شد که وی از طرفی مشمول هیچکدام از بندهای هفت‌گانه ماده فوق ۹۷۶ نمی‌باشد تا ایرانی محسوب شود و از طرفی دیگر وی تابعیت هیچیک از دولتهای خارجی را هم ندارد که در این صورت به وی گفته می‌شود یک فرد بی‌تابعیت است که با توجه به توضیحی که داده شد بعید است بند ۱ ماده فوق ۹۷۶ را شامل وی دانسته و او را یک ایرانی بدانیم و به او تابعیت ایرانی بدهیم بلکه وی (چون مجهول التابعیه است) برای اینکه یک فرد ایرانی محسوب شود باید راه قانونی کسب (تحصیل) تابعیت دولت ایران را بپیماید (هر چند که ساکن ایران بوده و هست) و تا زمانیکه از راه و روش قانونی برای بدست آوردن (اکتساب = تحصیل) تابعیت ایران استفاده نکرده و تابعیت دولت ایران را بدست نیاورده است نمی‌توان وی را یک ایرانی قلمداد نمود. (هر چند که ساکن کشور ایران بوده و هست).

۳- در مورد بند ۳ از ماده فوق ۹۷۶ یک سؤال به ذهن می‌آید و آن اینکه اگر طفلی در ایران از یک پدر و مادر نامعلوم و غیر مشخص متولد شد به صرف اینکه چون در ایران متولد شده وی را باید ایرانی محسوب کنیم هر چند که ثابت و احراز شود که آن طفل نسب مشروع و قانونی ندارد؟ در این مورد بین حقوقدانان اختلاف نظر و عقیده است و برخی در این مورد تردید کرده‌اند که بند ۳ ماده فوق ۹۷۶ شامل چنین موردی (مورد سؤال) بشود و گفته‌اند که شرط اجرای بند ۳ ماده مذکور در مورد طفلی است که نسب مشروع وی نسبت به پدر و مادرش محرز و ثابت شده باشد (اگرچه فعلاً آن پدر و مادر نامعلوم است و مشخص نیست که چه کسانی هستند) به سخن دیگر بند ۳ ماده مذکور ناظر به موردی است که قطع و یقین داریم که این طفل بطور مشروع و قانونی از پدر و مادری در ایران متولد شده است اما به هر دلیلی فعلاً

دسترسی به پدر و مادر او نداریم و نمی‌دانیم پدر و مادر او چه افرادی هستند که در این صورت همانطوریکه قانونگذار در بند ۳ ماده فوق اعلام کرده است آن طفل را ایرانی تلقی و فرض می‌کنیم و دارای تابعیت ایرانی خواهد بود. آنگاه طبق مفهوم مخالف آنچه گفته شد اگر طفلی در ایران متولد شود و ثابت شود که از طریق حلال و مشروع و قانونی آن طفل متولد نشده است و با وجود این آن پدر و مادر وی هم [که هر دو و یا یکی از آن دو مرتکب عمل حرام (زنا) شده‌اند] نامعلوم بوده و معلوم نیست چه افرادی هستند در این صورت به صرف اینکه آن طفل در ایران متولد شده و پدر و مادرش هم نامعلوم است سبب نمی‌شود که وی را ایرانی فرض کرده و به او تابعیت ایران بدهیم چونکه (همان طوری که گفته شد) شرط لازم دادن تابعیت در چنین صورتی (تولد طفل در ایران از پدر و مادر نامعلوم) این است که مشروع بودن و قانونی بودن نسب وی احراز و ثابت شده باشد که در فرض مذکور آن طفل از راه نامشروع بوجود آمده و تولد یافته است. اما برخی دیگر از دانشمندان و صاحب نظران علم حقوق بر این عقیده‌اند که برای اجراء بند ۳ ماده فوق ۹۷۶ لازم نیست مشروع بودن و حلال زاده بودن آن طفل (که فعلاً پدر و مادر او معلوم نیست اما در ایران متولد شده است) ثابت و معلوم گردد بلکه همین اندازه (طبق ظاهر بند ۳ از ماده مذکور) که آن طفل در ایران متولد شده اما پدر و مادر او غیر معلوم و نامشخص می‌باشد کافی است که بند ۳ ماده مذکور را شامل آن کودک دانسته و او را ایرانی تلقی و فرضی نموده و به او تابعیت ایرانی بدهیم. «پیرامون این نظر به دکتر محمد نصیری، حقوق بین‌الملل خصوصی، صفحه ۴۷ رجوع کنید.»

۴- سؤال دیگری که در ارتباط با بند ۳ ماده مذکور پدید می‌آید این است که وقتی طبق بند ۳ از ماده فوق ۹۷۶ به چنین طفلی (که در ایران متولد شده اما پدر و مادر او نامعلوم است) تابعیت ایرانی داده شد و او را یکی از اتباع ایران فرض و تلقی کردیم چنانچه بعداً پدر و مادر او معلوم و مشخص شد (که چه افرادی بوده و از نظر تابعیت چه وضعیتی داشته و دارند) تابعیت ایرانی آن طفل چه وضعیتی پیدا خواهد کرد؟ آیا آن تابعیت ایرانی وی ادامه پیدا خواهد کرد و یا اینکه باطل شده و از بین می‌رود؟ در پاسخ به سؤال فوق باید گفت وقتی پدر و مادر آن طفل و وضعیت تابعیت آن دو مشخص شد آن طفل از مشمولیت بند ۳ ماده مذکور خارج می‌شود و باید طبق قواعد عمومی و قوانینی و مقررات مربوط به تابعیت در رابطه با آن طفل عمل کرد. بدین معنی که باید بررسی کرد آیا آن طفل مشمول یکی دیگر از بندهای ماده مذکور قرار می‌گیرد یا نه؟ مثلاً چنانچه بعداً معلوم شد که (طبق بند ۱ همان ماده) پدر و مادر آن طفل هر دو ایرانی الاصل بوده و تابعیت اصلی کشور ایران را دارند در این صورت آن طفل هم تابعیت ایران را خواهد داشت و یا اینکه مثلاً (طبق بند ۲ همان ماده) معلوم شد که پدر آن طفل (نه

مادرش) ایرانی است که در این حالت نیز آن طفل تابعیت ایران را خواهد داشت. ولی چنانچه بعداً ثابت شد که آن طفل فرزند یک مأمور کنسولی و یا نماینده سیاسی یک دولت خارجی است در این حالت وی تابعیت دولت ایران را نخواهد داشت مگر اینکه از راه و روش قانونی جهت کسب و تحصیل تابعیت ایرانی برای وی اقدام شود.

۵- در نکته پایانی مربوط به ماده فوق ۹۷۶ به موضوع لزوم و ضرورت داشتن تابعیت برای هر فرد (مرد یا زن) اشاره می‌کنیم که ضرورت داشتن تابعیت ارتباط با نظم عمومی دارد و به همین جهت تمام دولتها موضوع تابعیت را جزء قوانین خود گنجانده‌اند و افرادی را تابع دولت خود دانسته و عده‌ای را هم از اتباع دولتهای خارجی قلمداد نموده‌اند تا اینکه با مشخص و معین بودن اینکه هر فردی که در خاک یک کشوری زندگی می‌کند تابعیت چه دولتی را دارد حقوق و مزایا و مسئولیتها و تکالیف وی طبق قانون معین گردد و این امر یکی از راههای تحقق بخشیدن به نظم عمومی در جامعه می‌باشد تا اینکه با معلوم بودن تابعیت هر فردی از ساکنان یک کشور اعمال وی مورد سنجش قرار گرفته و از ارتکاب رفتارهای مخالف نظم عمومی جلوگیری به عمل آمده و در صورت ارتکاب اعمال مخالف نظم عمومی برخورد قانونی با مرتکب آن اعمال و شخص متخلف صورت پذیرد. نتیجه اینکه ارتباط تابعیت با نظم عمومی روشن به نظر می‌آید که نظم عمومی عامل و منشاء پیدایش موضوع تابعیت می‌باشد و برای اینکه این علیّت و منشاء بودن نظم عمومی برای پیدایش موضوع تابعیت در قوانین دولتها واضح شود لازم است که تعریفی از تابعیت و تعریفی از نظم عمومی داشته باشیم و سپس ارتباط آن دو را با یکدیگر بررسی کنیم. «در این زمینه به دیوان کشور، رأی اصراری شماره ۱۲۱-۴۷۷/۲۴: دکتر عبدالحسین علی‌آبادی، موازین قضایی، مدنی، صفحه ۱۹۶ رجوع کنید.»

ماده ۹۷۷-

الف- هرگاه اشخاص مذکور در بند ۴ ماده ۹۷۶ پس از رسیدن به سن ۱۸ سال تمام بخواهند تابعیت پدر خود را قبول کنند، باید ظرف یک سال درخواست کتبی به ضمیمه تصدیق دولت متبوع پدرشان، دایر به این که آنها را تبعه خود خواهد شناخت، به وزارت امور خارجه تسلیم نمایند.

ب- هرگاه اشخاص مذکور در بند ۵ ماده ۹۷۶ پس از رسیدن به سن ۱۸ سال تمام بخواهند به تابعیت پدر خود باقی بمانند، باید ظرف یک سال درخواست کتبی به ضمیمه تصدیق دولت متبوع پدرشان، دایر به این که آنها را تبعه خود خواهد شناخت، به وزارت امور خارجه تسلیم نمایند.

سؤال = ۱- کسی که طبق بند ۴ ماده ۹۷۶ قانون مدنی از پدر و مادر خارجی متولد شده ولی به دلیل اینکه حداقل یکی از پدر و یا مادر وی در ایران متولد شده است وی تابعیت ایرانی خواهد داشت چنانچه تصمیم داشته باشد تابعیت پدرش را قبول کند چگونه باید در این زمینه اقدام نماید؟

۲- کسی که طبق بند ۵ ماده ۹۷۶ در ایران از پدری که از اتباع دولت خارجی است متولد شده که همچنان تابعیت پدرش را دارد تا اینکه به سن هجده سالگی تمام که رسید چنانچه بلافاصله یک سال دیگر هم در ایران بماند تابعیت دولت ایران را بدست می آورد اکنون اگر آن شخص بعد از دارا شدن هجده سال تمام قصد داشته باشد بر تابعیت دولت خارجی در پدرش باقی بماند چگونه باید در این مورد اقدام نماید؟

جواب = نسبت به سؤال اول جواب این است که قانونگذار ضمن بیان قسمت الف ماده فوق ۹۷۷ اعلام داشته که چنین فرزندی وقتی که به سن هجده سال تمام رسید وقتی که قصد دارد که تابعیت پدرش را برای خود قبول کند که یک تابعیت دولت خارجی است (چون که پدر و مادرش خارجی اند) باید ظرف مدت یک سال یک درخواستی نوشته مبنی بر اینکه وی قصد دارد تابعیت خارجی پدرش را قبول کند (چون که وی طبق بند ۴ ماده ۹۷۶ قانون مدنی ایرانی محسوب می شود) و گواهی تأیید (تصدیق) دولت متبوع پدرش را مبنی بر اینکه آن دولت تابعیت آن فرزند را قبول خواهد کرد به آن درخواست ضمیمه کند و به وزارت امور خارجه تحویل دهد.

بنابراین اگر مثلاً شخص A که در ایران متولد شده است بعد از بالغ شدن تابعیت دولت سوریه را بدست آورده و با یک خانم سوری ازدواج کرده و سپس مقیم کشور ایران شده و با داشتن همان تابعیت دولت سوریه در ایران زندگی کرده و فرزندی از آنها در کشور ایران متولد شد که در این حالت گفته شد طبق بند ۴ ماده ۹۷۶ آن فرزند بعد از تولد ایرانی خواهد بود و تابعیت ایرانی خواهد داشت زیرا اولاً در ایران متولد شده و ثانیاً پدر او در ایران تولد یافته بوده است. اما وی (آن فرزند) بعد از رسیدن به سن هجده سالگی تمام می تواند از تابعیت ایران خارج شده و تابعیت دولت متبوع پدرش (دولت سوریه) را بدست آورد و او هم مانند پدرش یک نفر از اتباع سوریه گردد و برای این عمل (همانطوریکه گفته شد) باید یک درخواستی مبنی بر اینکه قصد دارد تابعیت دولت متبوع پدرش (سوریه) را بدست آورد نوشته و گواهی (تصدیق) دولت سوریه را مبنی بر اینکه وی (آن فرزند) را از اتباع آن دولت (سوریه) خواهد شناخت و به او تابعیت

دولت سوریه خواهد داد را به آن درخواست ضمیمه نماید و ظرف مدت یک سال از زمان رسیدن به سن هجده سالگی تمام آن را تحویل وزارت امور خارجه ایران بدهد. و در مورد جواب به سؤال دوم نیز که طبق بند ۵ ماده ۹۷۶ قانون مدنی فرزندی که از پدری که از اتباع دولت خارجی می‌باشد در ایران متولد شده است که بعد از هجده سالگی تمام چنانچه بلافاصله یک سال دیگر در ایران اقامت نماید تابعیت دولت ایران را بدست می‌آورد. (برخلاف پدرش که همچنان تابعیت دولت خارجی دارد) که چنانچه آن فرزند تصمیم بگیرد که به تابعیت پدرش (که تابعیت یک دولت خارجی دارد) باقی بماند باید بعد از رسیدن به سن هجده سالگی تمام ظرف مدت یک سال یک درخواستی مبنی بر اینکه وی قصد دارد بر همان تابعیت پدرش (که تابع یک دولت خارجی است) باقی بماند و نمی‌خواهد به تابعیت دولت ایران درآید، نوشته و یک گواهی (تصدیق) دولت متبوع پدرش را مبنی بر اینکه به آن فرزند تابعیت پدرش را خواهد داد به آن درخواست ضمیمه کند و تحویل وزارت امور خارجه ایران بدهد (آنچه گفته شد اصلاحی ۱۳۴۸/۱۱/۲۷ می‌باشد).

به عنوان مثال اگر یک زن و مردی از اتباع دولت هند به ایران آمده و در ایران مقیم گشته و زندگی نمایند و فرزندی از آنها در ایران متولد شود در این حالت آن فرزند به محض تولد تا رسیدن به سن هجده سالگی تمام همان تابعیت پدرش را دارد یعنی تابع دولت هند شناخته می‌شود آنگاه طبق بند ۵ ماده ۹۷۶ قانون مدنی بعد از اینکه هجده سال وی تمام شد اگر یک سال دیگر (بدون فاصله) در ایران اقامت داشته باشد تابعیت ایرانی پیدا کرده و دولت ایران وی را از اتباع خود خواهد شناخت اما آن فرزند از نظر قانونی حق دارد که بر همان تابعیت پدرش (که تابعیت دولت هند می‌باشد) باقی بماند که در این حالت طبق گفته قانونگذار (قسمت ب از ماده ۹۷۷ قانون مدنی) وی باید یک درخواستی نوشته مبنی بر اینکه قصد دارد بر تابعیت دولت متبوع پدرش باقی مانده و همچنان تابعیت دولت هند را داشته باشد و یک گواهی (تصدیق) هم از دولت هند (دولت متبوع پدرش) مبنی بر اینکه به او تابعیت آن دولت (هند) را خواهد داد به آن درخواست ضمیمه کند و آن را (در ظرف همان یک سال که گفته شد) تحویل وزارت امور خارجه ایران بدهد.

در پایان شرح و توضیح ماده فوق ۹۷۷ شایسته است به ماده ۹۷۷ مصوب ۱۳۱۳/۱۲/۲۷ نگاهی داشته باشیم:

«اشخاص مذکور در فقره ۴ و ۵ حق دارند پس از رسیدن به سن هجده سال تمام تا یک سال تابعیت پدر خود را قبول کنند مشروط بر اینکه در ظرف مدت فوق اظهاریه کتبی تقدیم وزارت خارجه نمایند و تصدیق دولت متبوع پدرشان دائر به این که آنها را تبعه خود خواهد شناخت

ضمیمه اظهاریه باشد. «جهت مطالعات بیشتر به کتاب قانون مدنی به زبان عامه، تقویان، دکتر سیدعلی اکبر مراجعه کنید.»

ماده ۹۷۸- نسبت به اطفالی که در ایران از اَتْبَاعِ دَوْلِي متولّد شده‌اند که در مملکت مَتَبُوعِ آن‌ها اطفال متولّد از اَتْبَاعِ ایرانی را به موجب مقررات تَبَعَهُ خود محسوب داشته و رجوع آن‌ها را به تَبَعِيَّتِ ایران مَنُوطِ به اجازه می‌کنند معامله مَتَقَابِلِهِ خواهد شد.

سؤال = معامله متقابله دولت ایران در برابر دولتهایی که طبق مقررات خود اطفال متولد از اتباع ایرانی را اتباع خود محسوب می‌کنند چگونه خواهد بود؟

جواب = معامله متقابله (عمل مقابل به مثل) دولت ایران در برابر چنین دولتهایی این است که دولت ایران هم اطفال متولد از اتباع خارجی در ایران را به محض تولد یافتن در ایران از اتباع خود (ایران) بشمار می‌آورد. توضیح اینکه قانونگذار ایرانی طبق بیان بندهای ۴ و ۵ ماده ۹۷۶ قانون مدنی اطفال متولد شده از اتباع خارجی در ایران را بدون قید و شرط تابع دولت ایران ندانسته است بلکه در بند ۴ آن ماده می‌گوید اگر یکی از آن پدر و مادر خارجی در ایران تولد یافته باشد فرزند آنها که در ایران متولد شده است تابعیت دولت ایران را خواهد داشت و همینطور طبق بند ۵ همان ماده ۹۷۶ وقتی که فرزندی از یک پدر تابع دولت خارجی در ایران متولد شد تا سن هجده سالگی تابعیت دولت متبوع پدرش را دارد و سپس اگر یک سال تمام دیگر در ایران اقامت گزید به تابعیت دولت ایران درمی‌آید پس در این صورت هم دادن تابعیت به فرزند متولد شده از اتباع خارجی در ایران شرط دارد که توضیح دادیم. اکنون ممکن است بعضی از دولتهای خارجی قانونی تصویب کرده باشند که چنانچه اتباع ایرانی مقیم در خاک کشورشان (که از نظر آن دولتها اتباع ایرانی، اتباع دولتهای خارجی بشمار می‌آید) در آن کشور دارای فرزندی شدند بدون هیچگونه قید و شرطی آن فرزند را تابع آن دولت بشمار آورده و حتی اگر آن فرزند قصد داشته باشد به تابعیت ایران (دولت متبوع پدر خود) درآید باید با اجازه آن دولت (که مقیم در آنجا هستند) صورت بپذیرد در این صورت قانونگذار ایرانی ضمن تصویب ماده ۹۷۸ قانون مدنی برای خود عمل مقابل به مثل (معامله متقابله) را محترم شمرده است که دولت ایران هم با فرزندان اتباع خارجی آن دولت موردنظر که در ایران متولد می‌شوند همان رفتار را از نظر تابعیت دادن خواهد داشت، بدین معنی که به محض اینکه آن اتباع خارجی دارای فرزندی در ایران شدند آن فرزند به محض تولد یافتن از اتباع دولت ایران بشمار می‌آید (گرچه پدر و مادر وی تابعیت دولت خارجی دارند) و نیازی به وجود آن شرط مذکور در بند ۴ و